

مجلات منطقه ما: چهنو، کارمندان اول، اسوه‌های دفاع مقدس، کارمندان دوم، محمدآباد، شهید مصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، معقول، کشاورز، پورسینا، موعود، داروند، انصار و شهید باهنر

شماره روزنامه شهر آرا: ۲۹۷۱
هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۶۰ / دوشنبه ۲۲ آبان ۹۸
۸ صفحه

شهر آرا محله

دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از SHAHRARANEWS.IR

انتخابات مجامع شورای اجتماعی محلات منطقه برگزار شد

شهر دار منطقه ۶ در مرکز ۱۳۷ تشریح کرد

روایتی از خانیچه‌های کوچک انتهای خیابان پورسینا

گام سوم در ۳ محله

در گام سوم دوره جدید شوراهای جدید محلات، شهروندان محله‌های شهید معقول و آقامصطفی خمینی و امیرآباد هم پس از برگزاری مجمع عمومی، نمایندگان و رابطان خود را با شهرداری شناختند. نماینده‌هایی که متفق القول بر محوریت زدایی و رفع مشکلات شهری و تأمین امنیت و توجه به حاشیه شهر و برداشتن بار از روی دوش ...

آخرین جزئیات پروژه غیرهم سطح مصلی

کلنگ پروژه غیرهم سطح مصلی در ابتدای دی ماه جاری به زمین می خورد. در حاشیه پاسخ گویی دو ساعته شهردار منطقه ۶ به ۲۱ نفر از اهالی منطقه در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ «حجت... حیدری» در باره آخرین جزئیات پروژه...

رنج پیدا و گنج پنهان کشاورز

جایی در انتهای پورسینا هست که شهر تمام می شود. منطقه ای بدون مرز با زمین های یکدست سرسبز. پر از بوی نعنا که هوش از سر آدم می برد. کنار هر زمین کپرهایی به چشم می خورد که شبیه لانه پرندگان است، سست و موقت، پر از شاخ و برگ اضافه. شاخ و برگ لانه کوچک آقای رسولی تشکیل شده است از تکه پاره درهای چوبی سفید...



شهر آرا محله نقش طراحی شهری برای تسهیل حضور بانوان در منطقه ۶ را بررسی می کند

سهم زنان از شهر



کتاب در حاشیه!

حرف اول



هادی مرادی
کارشناس اجتماعی
شهرک شیرین

امروز توجه به امر کتاب و کتاب خوانی در جامعه ما بیشتر شده است. برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بسیاری در این زمینه پخش می‌شود، حتی در مطبوعات و رسانه‌های مجازی هم شعرهای زیادی در راستای ترویج کتاب و کتاب خوانی سرداده می‌شود اما آیا این حجم تبلیغات و پوشش‌های گسترده، راه به جایی برده است؟ لاف در ظاهر این گونه به نظر نمی‌رسد که آمار مطالعه کتاب و محتوای کاغذی با این روش‌ها ارتقا یافته باشد. شاید بشود افزایش مراجعه به سایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی را یاریگر این آمار قلمداد کرد اما آیا محتوای غالب در فضای اینترنت، مدیریت شده، علمی و پیش برنده است یا انبوهی از شایعات بی اساس است که به جز تشویش اذهان مخاطب عایدی دیگری ندارد؟ امروزه کلیدواژه‌های «بستر سازی» و «فرهنگ سازی» زیربنای توسعه در بیشتر حوزه‌های تمدنی به شمار می‌روند. این بستر امروزه به طرز ناسالم و بدون حساب و کتاب، در فضای مجازی فراهم است، یعنی همان اینترنت، ابزار ارتباطی و محتوای انبوه که متولی مشخصی ندارد.

اما در فضای حقیقی که همان کتابخانه‌ها، مراکز مطالعه یا کافه کتاب‌ها... است، آیا بستر به اندازه کافی فراهم است؟ در شهری به بزرگی مشهد با جمعیت بیش از ۳ میلیون نفر، بنا به گفته مسئولان ذی ربط، تعداد ۵۶ کتابخانه بزرگ و رسمی وجود دارد که البته مردم از همه آن‌ها شناختی ندارند. سالن‌های مطالعه نیز در همین حدود است که نیمی از آن‌ها به دلیل مترژ کم یا استانداردها نداشتن، غیرکار بردی است و البته نیمی از باقی مانده نیز توسط بخش خصوصی با اهداف تجاری، به مراکز آمادگی کنکور تبدیل شده‌اند که نباید در این آمار محاسبه شوند.

حالا اگر یک سوم جمعیت مشهد را ساکن در محلات حاشیه شهر بدانیم که حتی به امکانات و خدمات عادی شهر نیز دسترسی مناسبی ندارند، باید پرسید که چه مقدار از این بسترهای فرهنگ‌ساز مانند کتابخانه و مرکز مطالعه، در آنجا ایجاد شده است؟

به عنوان مثال، شهرک شیرین و کوی آقامصطفی خمینی از محلات حاشیه‌ای و کمتر توسعه یافته اطراف شهر است که به دلیل ضعف در دسترسی به حمل و نقل مناسب، اهالی آن به ویژه قشر دانش آموز که بیشتر این انس با کتاب را دارند، امکان استفاده از موارد فوق را ندارند.

سؤال اینجاست که چرا دستگاه‌های متولی یعنی نهاد کتابخانه‌ها، شهرداری، اوقاف، آستان قدس و دهه بنیاد و سازمان فرهنگی و اجتماعی دیگر که در این زمینه مأموریت دارند نیم‌نگاهی به این مناطق نینداخته‌اند؟

از هیچ کدام از این دستگاه‌های عریض و طویل انتظار نمی‌رود که در کوتاه مدت طرح‌های خاص و اعتبارات ملی برای ایجاد کتابخانه در این مناطق تهیه کنند، همچنان که کتابخانه مرکزی مشهد بیش از ۱۵ سال در این مسیر پیچیده گرفتار شد، اما به نظر می‌رسد که با دوری گزیدن از بروکراسی نفسگیر اداری و همچنین مسیر از مرکز به پیرامون، می‌توان بسیاری از املاک و اراضی بی استفاده در این مناطق را به امر اختصاص داد، البته کتابخانه‌سیار هم برای کودکان و نوجوانان حاشیه شهر، امید آفرین است. امروز کم‌هزینه‌ترین پروژه‌های عمرانی، همین کتابخانه‌سازی است. به این وادی حتی می‌توان خیران زیادی را وارد کرد با بخششی از نیم درصد اعتبار تخصیصی شهرداری به نهاد کتابخانه‌ها در ایجاد مراکز فرهنگ محله که شامل کتابخانه و سالن مطالعه است، صرف شود تا بتوان کتاب راه حاشیه شهر برد. شاید نخبه‌ای دیگر همچون نخبه‌های کنکوری امسال که از همین محله شهرک شیرین بودند، برای مطالعه به حمام خانه‌اش پناه‌بند!

انتخابات مجامع شورای اجتماعی محلات منطقه برگزار شد

گام سوم در ۳ محله



و سپس جوانان است. او افزود: از آنجایی که تصمیم‌گیری‌های کلان شهری تصمیم‌گیری برای اجرای برخی امور و فعالیت‌ها در محله‌ها ساخت و دشوار کرده است و خیلی از مسائل دیده نمی‌شوند با تشکیل شورای اجتماعی هر محله افراد در این تصمیم‌گیری‌ها دخیل می‌شوند و با نیازسنجی و شناسایی مشکلات نقش خود را ایفا می‌کنند.

پرونده مجامع محله امیرآباد بسته شد
در پایان این مجمع پس از اتمام رأی‌گیری طالب‌آبادی با ۱۳ رأی، زهره باگشا با ۱۳ رأی، زهرا ظفرنژاد با ۱۰ رأی، محمد فهیم با ۱۵ رأی، کاظم لسانی با ۱۴ رأی و رضاصادقی مقدم با ۱۵ رأی به عنوان اعضای اصلی و فاطمه خزایی با ۶ رأی و جواد هویدا با ۵ رأی به عنوان اعضای علی‌البدل در مجمع انتخاب شدند و بدین ترتیب پرونده مجامع محله‌های امیرآباد و عمار یاسر بسته شد.

تعیین تکلیف نهایی مجمع انتخاباتی محله شهید معقول
امداد ادامه و با یک تنفس ۳۰ دقیقه‌ای، جلسه انتخابات مجامع شورای اجتماعی محله شهید معقول نیز برگزار شد. اعضای دغدغه‌مند این محله

با مشخص شدن اعضای شورای اجتماعی محلات منطقه، ارتباط خوب و مؤثری بین شهرداری و اعضا برقرار می‌شود تا هر چه بیشتر و بهتر مسائل و مشکلات محلات را حل و فصل کنیم.

● شروط اختصاصی انتخابات

پس از آن طاهریان، نماینده دبیرخانه شورای اجتماعی محلات، توضیحاتی در رابطه با شیوه‌نامه اجرایی انتخابات ارائه داد: بر اساس آیین‌نامه مصوب شورای اجتماعی محلات در سال ۹۷ ما موظف به تشکیل مجامع داوطلبی برای انتخاب اعضای شورای اجتماعی در هر محله شدیم. ۱۴ کرسی در هر محله در نظر گرفته شده و ۱۰ کرسی آن به طور انتخابی و با تشکیل مجامع داوطلبی ساکنان، کسبه، مساجد، مدارس و تشکل‌های مردم‌نهاد انتخاب می‌شوند. ۶ کرسی مربوط می‌شود به مجمع داوطلبی ساکنان. از هر مجمع یک نفر انتخاب می‌شود. دو تبصره مهم وجود دارد و شروط اختصاصی برای هر کدام از مجامع این است که افراد باید در همان محله ساکن باشند و اینکه نداشتن نسبت فامیلی درجه یک بین هیچ یک از افراد داوطلب. مسئله بعدی این است که اولویت انتخاب ابتدا با بانوان محله

در گام سوم دوره جدید شوراهای جدید محلات، شهروندان محله‌های شهید معقول و آقا مصطفی خمینی و امیرآباد هم پس از برگزاری مجمع عمومی، نمایندگان و رابطان خود را با شهرداری شناختند. نماینده‌هایی که متفق القول بر محوریت‌زدایی و رفع مشکلات شهری و تأمین امنیت و توجه به حاشیه شهر و برداشتن بار از روی دوش شهرداری تأکید داشتند و وعده انتخاباتی همه کاندیداها علاوه بر این موارد، معرفی یک چهره خوب و مطلوب و اثرگذار از محله‌هایشان به دیگر محله‌های شهر بود.

● اعضای شورا با زوان اجرایی شهرداری اند

احسان حسن‌نژاد، سرپرست اداره فرهنگی، اجتماعی شهرداری منطقه ۶ مشهد، در این سه مجمع که در دوروز در فرهنگ‌سرای غدیر برگزار شد، گفت: امیدواریم شما منتخبان به عنوان بازوان اجرایی و افراد هم‌فکر ایفای نقش کنید. به طور حتم



نماینده‌های محلات بر رفع مشکلات شهری و تأمین امنیت و توجه به حاشیه شهر و برداشتن بار از روی دوش شهرداری تأکید داشتند

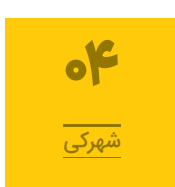
به قلم دوربین

شهرآرا

نصب پلاك افتخار در «مصلی»

بر سردر منزل شهید پلاك افتخاری که حاوی عکس و نام و نشان شهید است نصب می‌شود. این بار این آیین در هفته وحدت در یکی از محله‌های ناحیه یک مصلی اجرا شد و خانواده شهید دفاع مقدس مورد تکریم و تجلیل قرار گرفتند. در این دیدار که به منظور گرامیداشت یاد و خاطره شهید گران قدر توسط اداره فرهنگی و شورای اجتماعی محلات برپا شد، معاون اجرایی، رئیس ناحیه یک و رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی منطقه حضور داشتند.

از پلاك افتخار «شهید فعال جدی» در مصلی رونمایی شد. به گزارش شهرآرامگاه، نصب پلاك افتخار و عزت شهدا بر سر در منازلشان بیش از دو سال است که به طور رسمی در مشهد به راه افتاده است. سنتی که یادآور عزت و افتخار هر محله است. در این سنت حسنه



فرماندار مشهد گفت: یکی از چالش‌های امنیتی مشهد، چلوهاست. به گزارش شهرک آنلاین، هاشمی افزود: طبق مصوبه شورای امنیت کشور مراحل اجرا و سامان‌دهی را شروع کرده‌ایم، به همین دلیل با همکاری اداره کل اتباع کارشناسایی و سامان‌دهی را آغاز کرده‌ایم.

وی افزود: طرح نجات قرار است در محله‌هایی همچون پورسینا، مهرآباد و... اجرا شود. هاشمی ادامه داد: به همین منظور ۲۰ دفتر تسهیلگری از طرف فرمانداری و ۴ دفتر توسط استانداری کار خود را شروع کردند.



شهردار منطقه ۶ در مرکز ۱۳۷ تشریح کرد

آخرین جزئیات پروژه غیرهم‌سطح مصلی

۳
شهرکی

کلنگ پروژه غیرهم‌سطح مصلی در ابتدای دی ماه جاری به زمین می‌خورد. در حاشیه پاسخ‌گویی دو ساعته شهردار منطقه ۶ به ۲۱ نفر از اهالی منطقه در مرکز ارتباطات

مردمی ۱۳۷ «حجت... حیدری» درباره آخرین جزئیات پروژه غیر هم‌سطح مصلی به شهرآرامحله گفت: پروژه تقاطع غیرهم‌سطح مصلی از زمان ورود ما به اولین جلسه کمیسیون نظارتی و طرح آن از طریق منطقه ابتدا جزو اولویت‌های انجام‌نشده و بنا به تعبیری هفدهم بود و بعد از پیگیری مشخص شد که در طرح جامع هم حذف شده است. به استناد توجهات مختلف شهری و درخواست‌های مکرر اهالی مشخص شد که احداث این تقاطع می‌تواند کمک شایانی به ورودی از سمت مصلی باشد. بنابراین این موضوع به‌طور جدی در دستور کار قرار گرفت.

وی خاطر نشان کرد: دستور شهردار مشهد همین بود تا با اجرائی شدن سریع تر این پل در کمترین زمان ممکن اهالی محله‌های شهید باهنر، معقول، عمار یاسر و... از آن بهره‌مند شوند. بعد از تأکید شهردار مشهد و پیگیری از سوی کاظمی، معاون فنی و عمران و حمل و نقل مشهد و شهرداری منطقه ۶ منجر به این موضوع شد که به کمیسیون ماده ۵ برود.

حیدری در باره زمان کلنگ‌زنی این پروژه گفت: قرار است یکم دی ماه جاری کلنگ آن به زمین بخورد و حوزه مدیریت مربوطه در معاونت شهرسازی به‌شدت پیگیر است و طبق افق پیش‌بینی شده در سال ۱۴۰۰ به بهره‌برداری می‌رسد.

وی با اشاره به اینکه یکی از وظایف مهم ما توسعه عمرانی است، افزود: امسال در مجموع ۳۵ پروژه در حوزه عمرانی داشتیم. مهم‌ترین این پروژه‌ها اصلاح باند حد فاصل شهرک شهید رجایی و باهنر بوده و این پروژه اهمیت ویژه‌ای داشته است. ما در این حد فاصل پیش از این مسیر برون‌شهری را داشتیم که با باند کم عرض مشکلاتی را ایجاد می‌کرد. آن را به بولوار شکیل تبدیل و در حاشیه آن پارک خطی ایجاد کردیم که بیش از دو هکتار مساحت دارد. در حدفاصل باهنر و جاده طوق خیابانی را که منتهی می‌شد به خیابان شهید بسکابادی با دستور شهردار مشهد و شورای اسلامی شهر و تأکید معاون عمرانی شهردار مشهد این مسیر زیرسازی و آسفالت شد که این پروژه مورد تقاضای اهالی بود.

شهردار منطقه ۶ نوید احداث یک مجموعه ورزشی را در منطقه داد: مجموعه ورزشی نصرت در پارک نصرت با اعتباری بالغ بر یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در حال اجراست.

موضوع بعدی که شهردار منطقه درباره آن گفت تأسیس سوله بحران چند منظوره بود: در بخش مربوط به سوله بحران در شهرک شیرین کلنگ‌زنی آن انجام شده و در حوزه ورزشی هم این سوله بهره‌برداری شد.

در رابطه با مسئله آسفالت در منطقه امسال هم «حیدری» گفت: حدود ۱۸۰ هزار متر مربع معبر فرسوده را آسفالت کردیم. حدود ۵ هزار متر هم معبر خاکی آسفالت شد.

وی یکی از معضلات منطقه را نبود آگودانست. شهردار منطقه در این زمینه گفت: در منطقه شهید رجایی با توافق‌هایی که با شرکت آب و فاضلاب در حوزه اجرای طرح آگودانست انجام شده، خوشبختانه

موفقیت خوبی ایجاد شده است. به ما وعده دادند برج ۲ و ۳ آینده برای احداث انشعابات به‌طور گسترده در مشهد و محله‌های کم‌برخوردار منطقه ۶ اقدام کنند که مردم به‌شدت از این معضل آب‌گرفتگی‌ها رها می‌شوند و هم شهرداری با صرفه‌جویی روبه‌رو خواهد شد و از صرف هزینه‌های هنگفت برای ترمیم آسفالت که بر اثر راه‌سازی آب دچار فرسایش می‌شوند پیشگیری می‌کند.

شهردار منطقه درباره دیگر فعالیت‌های در دست اقدام منطقه گفت: بحث پارک سیزده هکتاری در انتهای مهریز و منطقه حدفاصل حر ۹ و ۱۳ را بررسی می‌کنیم. البته پیش از آن اصلاح ساختاری نیاز است که در حال بررسی است. این طرح، جزو پروژه‌های سال آینده است. در تملک آن با آستان قدس هم پیگیری‌هایی انجام داده‌ایم.

حیدری افزود: توسعه سرویس بهداشتی مسجد جامع شهرک شهید رجایی با مبلغ ۳۲۰ میلیون تومان به دستور آقای شهردار از هفته آینده شروع می‌شود.

وی خبر دیگری هم برای اهالی شهرک پردیس و مجتمع شهید بهشتی داشت: اعتبار مربوط به برداشتن دیوار شهرک پردیس هم ابلاغ شده و آن هم هفته آینده شروع می‌شود.

شهردار منطقه اما در باره معضل خیابان شهید فولادی و شیب نامناسب معبر که موجب سرازیر شدن نزولات جوی به داخل منازل می‌شود و بن بست بودن آن نیز گفت: چند وقت پیش شهردار مشهد از آن بازدید داشت، دستور تملک دو ملک هم از جانب شهردار صادر شده است. مالکان راضی شدند و ماقانونی برای قیمت‌گذاری وارد می‌شویم. با تملک آن دو ملک عملیات بهسازی و اصلاح معبر آغاز می‌شود.

به‌سوابق حضور خود در محله پرداختند و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود را تشریح کردند. در نهایت صندوق سفید آرا برای رأی‌گیری مقابل دستان هر عضو قرار گرفت و مجمع ساکنان این محله نیز نرس سادات شیری با ۱۲ رأی، علی مجردیان با ۱۳ رأی، علیرضا تنبغ با ۱۰ رأی، سمیه برومند احمدآبادی با ۹ رأی، نصرت کول‌آبادی با ۱۱ رأی و مرضیه روشن ضمیر با ۸ رأی انتخاب شدند. همچنین معصومه شاه‌ولی با ۷ رأی و صفیه ذوالفقاری با ۵ رأی به‌عنوان علی‌البدل برگزیده شدند تا بدین ترتیب تکلیف شورای اجتماعی این محله هم مشخص شود.

● رأی‌گیری با حضور ناظر

در جلسه انتخابات مجامع شورای اجتماعی محله مصطفی خمینی که روز بعد در فرهنگ‌سرای غدیر برگزار شد حاضران همچون دو نشست پیشین ضمن معرفی اجمالی خود، به بیان اهداف انتخاباتی خود پرداختند. فرایند رأی‌گیری و سرشماری آرا نیز با حضور یک نماینده و ناظر از محله انجام شد که طی آن زهرا خوافی با ۷ رأی، امیرحسین عبدی با ۹ رأی، طاهره علی‌تنه با ۶ رأی، سید محمد حسین یوسفی با ۱۲ رأی، سید حسین موسوی با ۸ رأی و امیر رضایی با ۷ رأی به‌عنوان اعضای اصلی و حسن برادر دوست و زهره فتحعلی‌زاده با ۷ رأی به‌عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب شدند.





سهم زنان از شهر

گل دفتر

۴
سحر نیکوعقیده
خبرنگار شهرآرامحله

ساکن منطقه دیگری است اما هر روز خیابان پورسینا را پیاده طی می‌کند تا برسد به محل کار. می‌گوید: «امنیت این منطقه بر خلاف تصور مردم بد نیست. خیلی وقت‌ها شده ساعت ۱۰ شب در مغازه را بسته‌ام و پیاده تمام این خیابان را طی کرده‌ام و احساس ناامنی هم نکرده‌ام اما مثلاً پیش آمده در بالاشهر بوده‌ام و نتوانسته‌ام از کوچه‌ای تنگ و تاریک عبور کنم. وقتی نورپردازی ضعیف باشد و کوچه‌ها هم تاریک و خلوت باشند آن وقت است که آدم احساس ناامنی می‌کند. به منطقه ربطی ندارد. اینجا تنها مشکلی است که کوچه‌های این مدلی زیاد دارد که خدا را شکر من هیچ وقت سر و کارم با این کوچه‌ها نمی‌افتد و همیشه از خیابان اصلی عبور می‌کنم.»

چیزی که مرضیه از آن صحبت می‌کند همان اصل دیده‌شدن است. اینکه طراحی فضای شهر باید جوری باشد که معابر شفاف و آشکار باشند و نقاط کور نداشته باشند تا عابران با خیال راحت رفت و آمد کنند. حرف مرضیه مجابم می‌کند که این بار مسیرم را از لابه‌لای کوچه‌ها انتخاب کنم. کوچه‌های تنگ و تاریک و خالی از آدم که تو را به درون خود می‌کشند، دیوارهای کاهگلی اطراف قد علم می‌کنند و تو را می‌بلعند. تنها چیز چشم‌نوازی که می‌بینم تاک‌های انگور است که از پشت هر دیواری سرک کشیده‌اند به کوچه‌ها. می‌ایستم تا یکی از آن‌ها عکس بگیرم. هنوز گوشی را از کیف بیرون نکشیده‌ام که از انتهای کوچه هیبت مردی ظاهر می‌شود. از دور می‌بینم که چطور اطراف را می‌پاید و بعد وارد می‌شود. از خیر عکس می‌گذرم، مسیر طی کرده را بر می‌گردم. گاهی شهر می‌تواند روی شرو آدم‌ها را بالا بیاورد.

شهری برای زنان

از لابه‌لای کوچه‌های تنگ و باریک و پیچ در پیچ قلعه ساختمان که بگذری در نقطه‌ای به‌ویژه صدای سرخوشانه بازی و شادی بچه‌ها را می‌شنوی، صدایی که تا آخرین ذره وجودت را پر می‌کند. می‌رسی به چهارخیابان موازی بغل به بغل هم که سر و تهشان را با چند میله رنگ و رورفته از باقی شهر جدا کرده‌اند. اما به گمان من چیزی که جداکننده این قلمرو کوچک است عبور شفاف زنان و جنب‌وجوش آزادانه بچه‌هاست. شهر در محله کویتی‌ها یا همان شهرک امام (رضاع) برای زنان و کودکان آشکار و بی‌لایه است و این وجه تمایز این منطقه است. اینکه سال‌ها پیش توسط کویتی‌ها وقف یتیم‌ها و بی‌سرپرست‌ها شده است و حالا ۹۰ درصد جمعیت آن را زنان و فرزندان نشان تشکیل می‌دهند. همین مسئله رنگ و بوی دیگری به این شهرک بخشیده است و این با پرسه‌ای کوتاه در این چهارخیابان قابل لمس است. قدم به قدم زنانی را می‌بینی که گروه‌گروه لب پیاده‌رو ایستاده و نشسته گفت‌وگو می‌کنند، چیزی که در دیگر نقاط شهر به ندرت دیده می‌شود و جنس مردانه‌ای دارد. یکی از همین گروه‌ها را برای گفت‌وگو انتخاب می‌کنم. درباره امنیت شهرک می‌پرسم و جواب‌ها برآیم قابل حدس هستند. یکی از خانم‌ها که جوان‌تر از بقیه است پاسخ می‌دهد: «امنیت اینجا صد هزار است! فقط یک در ورودی برای شهرک وجود دارد. دم در آن هم یک نگهبان گذاشته‌اند که شبانه‌روز کشیک می‌دهد.»

حرف‌هایشان را می‌شنوم و فکر می‌کنم که نگرش زنان درباره شهر خوب و مطلوب تا حد زیادی ریشه در باورها، ارزش‌ها و اعتقادات آن‌ها دارد. همین باعث می‌شود که آن‌ها در همین ۴ خیابان خوش حال و خوشبخت باشند. اما مسئله دیگری هم در این میان وجود دارد. مادران شهر را از نگاه فرزندان نشان می‌بینند و این زنان اغلب هرکدام مادر چند کودک قدونیم‌قد هستند. این حس خوشبختی را نمی‌توانند به کودکانشان هم تعمیم بدهند و کمی که می‌گذرد از نبود فضاهای تفریحی و فراغتی گلایه می‌کنند. از پارک نصرت می‌گویم که در چند قدمی همین شهرک است اما یکی از زن‌ها می‌گوید: «دروغ

عبوراز جنگل

بی‌وقته زل می‌زند توی صورتم. بدون اینکه حتی پلک بزنند خلط توی گلویش را محکم تف می‌کند وسط جمعه‌ها. از تیررسش که خارج می‌شوم هنوز تیزی نگاهش را از پشت سر حس می‌کنم و بقیه میدان بار رضوی را با وزنه‌هایی که به پایم بسته شده‌اند طی می‌کنم. سخت و سنگین، قرح قرح کنان و چسبان از لغزش روی میوه‌های پلاستیک. قهقهه مردی مرا سر جایم می‌خکوب می‌کند. جمعه پرتقال را گذاشته روی شانه‌اش و خطاب به من می‌گوید: «عکس می‌گیریم! عکس حرم، خانم بیا عکس بگیر!» بقیه بلند بلند می‌خندند. می‌گوید: «نخندید فلان فلان شده‌ها.» جای آن فلان هم خودتان چند تا فحش زشت را تصور کنید. هر قدم که بر می‌دارم نگاهی خیز بر می‌دارد ستم. نمی‌خواهم آن شکاری باشم که آمده لب چشمه آب بخورد. قدم‌هایم را محکم تر بر می‌دارم. چشم می‌چرخانم برای پیدا کردن یک عنصر ناهمگون دیگر در فضا. بالاخره خانمی را می‌بینم که گوشه چادرش را محکم به دندان گرفته و سیب‌های توی جعبه را وارسی می‌کند. نزدیک می‌شوم در باره کیفیت میوه‌ها

و قیمت‌ها می‌پرسم که سر صحبت را باز کرده باشم. کوتاه جواب می‌دهد: «من همیشه از همین جا خرید می‌کنم. خوش‌خور و خوب است.» نگاهی به سرتا پایم می‌اندازد و سؤال بعدی را او می‌پرسد: «تنها آمده‌ای اینجا؟» سر تکان می‌دهم و می‌گویم: «شما چطور؟» نه را جوری می‌گوید که انگار سؤال عجیب و غریبی پرسیده باشم. مردی که باید همسرش باشد با چند جعبه میوه به بغل از راه می‌رسد. انگار که گفت‌وگو را مارا شنیده باشد همان‌طور که صندوق عقب ماشین را می‌زند بالا می‌گوید: «والا هزار تومان بالا و پایین تر ارزش ندارد شما اینجا به تهایی بچرخید. سریع خرید کنید و بروید.»

حاکم بودن فضای مردانه

یکی دیگر از فروشنده‌ها همه چیز را بر طبق می‌دهد به فضای مردانه حاکم در اینجا و می‌گوید: «اگر بروید میدان بار نوغان اصلاً فضا این‌طور نیست چون آنجا میوه‌ها را کیلویی می‌فروشند و خانم‌ها هم به اندازه مردها برای خرید روزانه رفت و آمد دارند. اینجا همه کلی‌فروش هستند و خریداران هم اغلب فروشندگان سطح شهر. فروشنده‌ها هم همه مرد هستند دیگر. این می‌شود که چنین محیطی اینجا به وجود می‌آید.»

اینجا اصل بر دیده‌نشدن است

اینجا ساختمان‌ها با آدم حرف می‌زنند و دست‌شهر را برایت رو می‌کنند. دیوارهای آجری و کاهگلی، قاب پنجره‌های پوسیده و چوبی و... هر چند قدم دیدن پنجره‌های شکسته مرا به یاد نظریه پنجره شکسته می‌اندازند. همان نظریه که می‌گوید یک پنجره شکسته در محیط این پیام را می‌دهد که اوضاع در این مکان نابسامان است و همین موضوع محیط را جرم‌خیزتر می‌کند. اینجا از این دست نشانه‌ها به‌وفور پیدا می‌شود. اینجا که می‌گویم منظورم خیابان پورسیناست. خیابان را از انتها گز می‌کنم. پایین. از میان کاراها و تعویض‌روغنی‌ها عبور می‌کنم. از کنار همه این سروصداها و شلوغی‌ها سرسری می‌گذرم و تنها تصاویری محو در ذهنم باقی می‌مانند. با خودم فکر می‌کنم آن قدر که باید و شاید جزئیات این خیابان‌ها را نمی‌شناسم و از پس و پشت آن‌ها سر در نمی‌آورم اما باید باشهر ایغ شد تا تو را در آغوش بگیرد و پس پرده را نشانت بدهد. توی همین فکرها هستم که از پشت پرده‌ای صدای چرخ خیاطی می‌شنوم! رد و نشانی از اندک رمزگذاری‌های زنانه در این خیابان پرده را کنار می‌زنم و وارد خیاطی می‌شوم. صاحب این خیاطی مرضیه است. نزدیک به ۴۰ سال دارد و ۱۰ سال است که در این خیاطی کار می‌کند.

خیابان‌ها برای اغلب ما چیزی نیستند به‌جز مجموعه‌ای از سنگ، آسفالت، جدول و چیزهایی از این دست و خودمان هم همان عابران خاموش که در سکوت تنها عبور می‌کنیم و می‌رویم. اما هر گذرگاه می‌تواند داستانی باشد که خود ما آن را تعریف و معنا می‌کنیم، آن هم تنها و تنها با حضورمان! حضوری که می‌تواند کم و زیاد باشد، کیفیت متفاوتی داشته باشد و حتی کیفیت زندگی ما را هم تغییر بدهد. خیابان‌های شهر می‌توانند سهم بیشتری از زندگی به ما بدهند یا برعکس عبوری ساده را هم از ما دریغ کنند. چطور؟ با کوچه‌های تاریک و روشنشان، نقاط کور و آشکارشان و... این میان این منع و دریغ بیشتر دامن زنان را می‌گیرد. این موضوع می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد از جمله قوانین و هنجارها، آموزه‌های فرهنگی، اشتغال، مشارکت اجتماعی و... یکی از مهم‌ترین موارد هم که اغلب نادیده گرفته می‌شود فیزیکی و کالبد

چرا؟ امنیتش اصلاً تعریفی ندارد. مگر هر ۶ ماه بچه‌ها را ببریم آنجا. آن هم دسته‌جمعی.» دیگری ادامه حرف او را می‌گیرد و می‌گوید: «به غیر از آن، اینجا مکان تفریحی خاصی ندارد. اگر هم باشد برای خانم‌ها مناسب نیست. شاید روز جمعه دست بچه‌ها را بگیریم و با اتوبوس برویم میامی که آن هم خیلی فاصله دارد و کم پیش می‌آید.» چشم می‌چرخانم که

بین انبوه کودکان در حال بازی اثری از رفت و آمد دختران جوان در خیابان بینم. می‌پرسم دخترها چقدر از این تفریح‌ها سهم دارند؟ اصلاً تنهایی رفت و آمد می‌کنند؟ یکی از خانم‌ها می‌گوید که به غیر از مدرسه جای دیگری نمی‌روند و با جمله‌ای حجت را تمام می‌کند: «دخترها اینجا زیاد اهل بیرون نیستند. همگی خانگی هستند.»

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر مشهد گفت: تحولات در حوزه زنان شامل تسهیل حضور در فضای شهر، مشارکت در پروژه‌ها و... دفعتی نیستند. به گزارش شهر آرامحله، محمد هادی مهدی‌نیا افزود: این تحولات به آرامی پیش می‌روند. کما اینکه در طول همین ۴۰ سال کشور ما در این زمینه پیشرفت چشمگیری داشته است. این

رامی توان از مقایسه با وضعیت کشورهای همسایه هم حس کرد. مثلا حالا بیش از ۱۲ سال از بیرون آمدن کشور افغانستان از یوغ طالبان می‌گذرد اما برای حوزه زنان در این کشور اتفاق شگرفی نیفتاده است. وی افزود: کالبدشهر در تسهیل حضور زنان در شهر می‌تواند سهم بسیار اندکی داشته باشد. مسائل فرهنگی، اجتماعی و... تأثیر بیشتری دارند. ■



زنان در منطقه ۶ را بررسی می‌کند

شهر است. همین خیابان‌ها و کوچه‌ها که تا پایشان را از در خانه بیرون بگذاریم روی آن‌ها قدم می‌گذاریم. در وهله اول برایمان معنایی به جز رفت‌وآمدهای تکراری و روزمره ندارند اما همین تحرک ساده، سرآغاز تجربه است. آغاز تجربه کردن، زیستن و سهم بیشتری از زندگی داشتن. باید دید که طراحی شهری چقدر حضور زنان را در شهر تسهیل کرده است؟ این حضور می‌تواند در این سوی شهر، یعنی منطقه ۶ مسئله‌ساز تر باشد. اینجا که طراحی شهری آن‌قدرها که باید اصولی و شسته‌رفته شکل نگرفته و نقاط کور در آن بیشتر است و این میان فرهنگ غالب هم نه تنها به حضور بیشتر زنان کمک نمی‌کند بلکه تبدیل به سدی بزرگ‌تر بر سر راه آن‌ها می‌شود. گزارشی که می‌خوانید فقط چند روایت از پرسه‌زنی‌های نگارنده (به عنوان یک زن) است در چند ناحیه مختلف منطقه ۶. روایاتی از جنس تجربه‌های روزمره که برایمان عادی شده‌اند اما نکات فراوانی در دلشان نهفته دارند.

حس تعلق به مکان

تاجر آباد روح منطقه است. لیخندی که بر لب می‌نشیند، شبیه طاقه‌های پارچه‌ای که رنگ به رنگ داخل پارچه‌فروشی‌ها روی هم نشسته‌اند. تاجر آباد پر از رنگ است، پر از برقی پولک‌ها و سوری‌های زنانه هندی رقصان در باد. بر تن زنانی که طول و عرض خیابان را طی می‌کنند و با این حضور

نشانه‌های خود را روی تن خیابان‌ها حک می‌کنند. تاجر آباد از آن جاهایی بود که به من می‌گفتند تهایی نرو. اما من رفتم و تمام طول خیابان را قدم زدم بی‌آنکه ذره‌ای احساس ناامنی کنم. کاری به پیشینه آن ندارم اما امنیتی که در این عبور حس کردم انکارناشدنی است. این را ثابت می‌کند که امنیت شاید چندین تابع فیزیکی و کالبدشهر نباشد و عوامل دیگری هم در آن مؤثر

هستند. عواملی مثل حس تعلق به مکان. «نیومن» نظریه‌ای دارد با عنوان فضای قابل دفاع که می‌گوید عواملی وجود دارند که باعث کاهش ترس در محیط می‌شوند یکی از آن‌ها همین حس تعلق به مکان است چیزی که به وضوح در تاجر آباد حس می‌شود و یکی از زنان هم به آن اشاره می‌کند: «اسم اینجا بد در رفته. مادر اصل همه یک ایل و طایفه هستیم در این خیابان. همه هم را می‌شناسیم. من تا پام را از در خانه بیرون بگذارم تا به اول خیابان برسم با صد نفر سلام و احوال‌پرسی می‌کنم. از کوچک و بزرگ و پیر و جوان. در چنین شرایطی چطور ممکن است امنیت نداشته باشیم؟ همین وضعیت برای قلعه ساختمان و قلعه خیابان است؛ همه هوای هم را دارند.»

افزایش حضور زنان پرورده‌ای است، نه پروژه‌ای

بعد از این گشت‌وگذار چند روزه مشاهدات و تجربیات ملموس را با رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر مشهد در میان می‌گذارم. از تجربه‌های خوش همراهی اهالی همین خانه‌های قوطی کبریتی و احساس امنیت شیرین در محله‌هایی همچون تاجر آباد تا ناخوشایندی تجربه‌هایی که

گاه احساس ترس را بر من مستولی می‌کرد و محمد هادی مهدی‌نیا در محل کارش پاسخ‌گوی پرسش‌هایم می‌شود.

● به عنوان سؤال اول بگوئید که از منظر شما به طور کلی طراحی شهری در نواحی مختلف منطقه ۶ چقدر به حضور یا حضور نیافتن زنان کمک کرده‌اند؟

منطقه ۶ نواحی متفاوتی دارد. قسمت‌هایی از آن بافت قدیمی شهر محسوب می‌شوند و سوابق آن‌ها بر می‌گردد به بیش از ۶۰ سال قبل و حتی بیشتر. بخش‌هایی دارد که تازه تأسیس‌تر هستند که بیشتر آن‌ها با ضوابط شهرسازی شکل نگرفته‌اند مثل شهرک شهید باهنر، شهید رجایی... یعنی به نوعی شهرسازی خودرو و اتفاق افتاده و مردم با شبانه‌سازی، ساخت‌وساز غیرقانونی... طراحی شهری را مختل کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان با دیدی کلی به نواحی مختلف این منطقه نگاه کرد. در آن نواحی که اصالت تاریخی دارند بافت تقریباً منظم‌تر است و افرادی هم که ساکن هستند اصالت زمانی بیشتری دارند و طبیعی است که مفهوم محله را بیشتر درک می‌کنند و امنیت اجتماعی هم به تبع بالاتر است. در مناطقی که گسست اجتماعی بیشتر است حس تعلق به مکان هم برای ساکنان آن کمتر است چون به واسطه اجبار زمانه آنجا ساکن هستند. هیچ احساس تعلق به آن مکان و ساکنان آن ندارند. این‌ها عواملی هستند که باعث طراحی نامناسب شهری می‌شوند و فضاهای ناامن را شکل می‌دهند.

حالا دو اقدام می‌توان انجام داد. اولی این است که به سمت اصلاح‌های کالبدی پیش برویم مثلا کاربری‌هایی را تعریف کنیم که شب فعال باشند و فضا را روشن نگه دارند یا به لحاظ نورپردازی شهری تمهیداتی بیندیشیم که به ویژه در ساعات شب افزایش نور منجر به امنیت شود. این اقدامات کالبدی هستند اما بعضی اقدامات هم فرهنگی هستند و با آموزش شهر و ندی، افزایش توانمندی اقتصادی، کاهش بزه اجتماعی، ایجاد عصیت بین مردم... انجام می‌شوند. این دو اقدام باید با هم باشند و بخشی از آن وظیفه شهرداری است، هم در بحث کالبدی، بازآفرینی شهری و هم در بحث آموزش‌های شهری و ندی. به تبع آن می‌توانیم بگوئیم فضاهای امن‌تری را برای گروه‌های خاص از جمله زنان خواهیم داشت.

● یکی از ویژگی‌های محله خوب برای خانم‌ها محل‌های تفریحی است. در منطقه ما چند پارک برای خانم‌ها وجود دارد اما این فضاها با توجه به تراکم جمعیت محلات بسیار محدود و کم هستند. برای این موضوع برنامه‌ای ندارید؟

گروه‌های تسهیلگر اجتماعی یکی از مهم‌ترین اقداماتشان همین است. آن‌ها سندی را در دستورکار دارند به نام سند توسعه محله. این سند مشمول توسعه کالبدی، بحث‌های اجتماعی،

فرهنگی، خدمات زیرساختی و... است. زیرساخت‌ها دو نوع هستند.

زیرساخت‌های زیربنایی و زیرساخت‌های روبنایی. روبنایی، یعنی همان تأسیسات شهری، مدرسه، درمانگاه و... یکی از آن‌ها پارک است. ما در این مناطق سرانه‌های فضای سبزمان (فضاهایی که هم کارکرد اکولوژیک داشته باشد و هم کارکرد اجتماعی) خیلی کم است چون خودر و شکل گرفته‌اند. این سندی که دفاتر تسهیلگری دارند قرار است پاسخ‌گوی همین سؤال باشند که چگونه می‌توان زیرساخت‌های روبنایی و زیربنایی را با همکاری مردم و ارگان‌های دیگر تأمین کرد؟ اتفاقا فضاهای باز شهری مثل پارک در طول ساعات کاری در جولانگاه و سیطره خانم‌هاست. ساعتی است که

مردم‌ها به محل کار می‌روند و بچه‌ها به مدارس و خانم‌ها فرصتی برای فراغت در این مکان‌ها پیدا می‌کنند پس مهم هستند. فضاهای دیگری که در این زمینه می‌توان روی آن‌ها مانور داد فرهنگ‌سراها هستند. فرهنگ‌سراها باید محل تبادل اجتماعی اقشار مختلف از جمله زنان باشند. همه این‌ها در راستای هدفی کلان است با عنوان

ساعتی که مردها به محل کار می‌روند و بچه‌ها به مدرسه اتفاقا فضاهای باز شهری مثل پارک در جولانگاه و سیطره خانم‌هاست

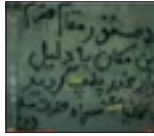
افزایش کیفیت محیطی که امنیت را ایجاد می‌کند. ما در منطقه ۶ در این کاربری‌ها به شدت فقیر هستیم. البته در سنوات گذشته از جمله شورای پنجم همیشه سعی بر کم کردن اختلاف شمال و جنوب بوده است. امیدواریم که در پروژه بازآفرینی شهری بتوانیم به سمت کاهش هرچه بیشتر این اختلاف معنادار برویم.

● به طور کل خانم‌ها چقدر در انجام پروژه‌های شهری مشارکت دارند؟

مشارکت موضوعی عام است و نفس مشارکت از نوع مهارت است، نه از نوع دانش. باید تمرین شود و مستلزم آن حضور و فعالیت در مساجد، فرهنگ‌سرا و... است. این‌ها همه تمرین مشارکت است. بحثی که شهرداری هم آن را دنبال می‌کند. یکی از آن‌ها بحث شورای اجتماعی محلات است که خانم‌ها به‌تازگی مشارکت خوبی در آن بخش داشته‌اند. بخشی از این موضوع هم بر می‌گردد به میزان آگاهی‌ها، تحصیلات و... خوشبختانه بعد از انقلاب شاخص‌های خوبی در این زمینه داریم. بخشی از آن هم بر می‌گردد به اینکه به طور اعم حاکمیت و حاکمیت محلی چقدر مشارکت زنان را جدی می‌گیرد. در همین راستا شورای پنجم با شعار مردم‌سالاری و مشارکت مردم جلو آمده است. هر شبکه اجتماعی فعال در محله می‌تواند در افزایش این مشارکت نقش داشته باشد چون این موضوع پرورده‌ای است نه پروژه‌ای. اگر پرورده مشارکت خانم‌ها ادامه داشته باشد و مهارت آن‌ها بالا برود ناخودآگاه کم کم در پروژه‌های مهم هم نقش خواهند داشت.

● مواردی که مطرح کردید نیاز به بازنگری عمیق و برنامه‌های بلندمدت دارد. چه برنامه‌هایی برای بازنگری در طراحی فضای شهری به منظور تسهیل حضور خانم‌ها در شهر وجود دارد؟

نباید طراحی شهری را تنها عامل مهم در این موضوع بدانید. وزن این موضوع خیلی زیاد نیست. وزن آن شاید ۷ درصد باشد. عوامل اجتماعی نقش بسیار بیشتری دارد. در جامعه‌ای که انسجام اجتماعی خوبی داشته باشد، فضاهای نامناسب شهری آن‌قدرها فضا را ناامن نمی‌کنند و دیگر موارد اثر بیشتری دارند. در گذشته در محلات فضاهای تنگ و تاریک زیاد بود اما چون انسجام اجتماعی وجود داشت شهر امن تر بود. با همه این‌ها باز هم نمی‌توان طراحی و کالبدشهر را در این امر بی‌تأثیر دانست. مردم باید وجود فضاهای نامناسب را به دفاتر تسهیلگری اطلاع بدهند. با تغییر کاربری، تأسیس یک ساختمان، یک مغازه، شب‌بازارها و... می‌توان این مناطق را امن تر کرد اما در کل جایی که فقر نمود بیشتری داشته باشد ناامن تر است. همه چیز فقط کالبدشهر نیست. ■



روایتی از خانجچه‌های کوچک انتهای خیابان پورسینا

رنج پیدا و گنج پنهان کشاورز

هم محلی



جایی در انتهای پورسینا هست که شهر تمام می‌شود. منطقه‌ای بدون مرز با زمین‌های یکدست سرسبز. پر از بوی نعنا که هوش از سر آدم می‌برد. کنار هر زمین کپرهایی به چشم می‌خورد که شبیه لانه پرندگان است، سست و موقت، پر از شاخ و برگ اضافه. شاخ و برگ لانه کوچک آقای رسولی تشکیل شده است از تکه پاره درهای چوبی سفید. در واقع سقف آن انبوهی از درهای سفید تکه تکه شده است که بدون هیچ نظمی کنار هم قرار گرفته‌اند. در اصل این کپه یا به گفته ساکنان آن (خانجچه) یک در سفید قدیمی با شیشه‌های مشبک رنگی است. همین جزئیات کوچک است که باعث می‌شود میان تمام خانجچه‌های این حوالی، این یکی را انتخاب کنیم. صاحب آن آقای رسولی است. در واقع صاحب این زمین، کشاورزی که ۱۰ سال به طور جدی کشاورزی کرده است. حالا با اینکه ماهی ۳ میلیون تومان اجاره این زمین، حقوق کارگرها و کلی هزینه‌های دیگر را می‌پردازد و دست آخر برای خود و خانواده هشت نفره‌اش هفتصد تومان ناقابل بیشتر باقی نمی‌ماند باز هم عاشق این شغل است و در تمام طول گفت‌وگو در محو لبخندی در صورتش پیدا است. این رضایت از کجا نشئت می‌گیرد؟ به گمان من از ارتباط عاطفی او با شغلش با همه سختی‌هایی که دارد و او با جان و دل آن را پذیرفته و در آغوش گرفته است. او معنای زندگی را بدون اینکه از آن خبر داشته باشد، فهمیده است و آن را به طور طبیعی در گل و گیاه و میوه‌ای که پرورش می‌دهد پیدا کرده است. می‌پرسم چند سالتان است؟ پاسخ می‌دهد ۵۵ سال. تعجب می‌کنیم! همه این‌ها نشان می‌دهد که سال‌های سخت کشاورزی به او ساخته است. هر زمین اینجا چند کارگر دارد و تعداد زیادی از این کارگرها زن هستند. یکی از آن‌ها زهر است که در زمین آقای رسولی کار می‌کند. زهر با صورت آفتاب‌سوخته شکلاتی رنگش و کت پاره قهوه‌ای... البته همه این‌ها وقتی به چشم می‌آیند که لب به سخن باز نکرده باشد. وقتی شروع کند به حرف زدن اولین چیزی که از او می‌بینی یک بی‌فیدی صمیمانه دوست‌داشتنی است. به سبب‌های سرخ توی جعبه مقابل خانجچه اشاره می‌کنم و از او می‌پرسم که این‌ها را از کجا می‌آورند؟ جواب می‌دهد: «از باغ تنم!» می‌خندم و می‌فهمم برای اینکه سر صحبت را باز کنم لازم نیست شلغم‌ها و

گل کلم‌های توی جعبه را واری می‌کنم. از خودش می‌پرسم و او همه چیز را می‌گوید. به قول خودش یک شوهر لنگ توی خانه دارد و یک پسر دبستانی. بار زندگی روی دوش اوست و خرج زندگی را با از صبح تا شب کار کردن توی همین زمین‌ها درمی‌آورد. می‌پرسم تنها کارگر زن این زمین شما هستید؟ فقط خودم!
- امنیت دارد؟ تا به حال برایتان مشکلی پیش نیامده است؟
چه مشکلی؟ من، هم تربتی‌ام، هم زورم زور مرده!
- چه چیزی می‌کارید؟
بیشتر سبزی که حتی بالاشهری‌ها هم از ما سفارش می‌گیرند چون با آب چاه موتور آبیاری می‌کنیم و گوجه و بادمجان و پیاز و از این‌طور چیزها.
- روزی چند ساعت کار می‌کنید؟
کله صبح می‌آیم اینجا تا آخر شب. چند ماه بدون تعطیلی کار می‌کنیم. زمستان که می‌شود کار تعطیل می‌شود و بخور و بخواب.
- بعد چطور خرج زندگی را درمی‌آورید؟
بخور و بخواب که نه... خیاطی هم بلدم. بالأخره خرج زندگی را هر جور شده درمی‌آورم.
این‌ها را با غرور خاصی می‌گوید. با همسان رضایتی که در چهره آقای رسولی دیده بودم. چند لحظه مکث می‌کند و خودش رضایتش را این‌طور بیان می‌کند: «من آدم یک‌جان‌نشین نیستم. همین که می‌توانم راه بروم و چهارستون بدنم سالم است، برایم کافی است. می‌روم و راه خودم را پیدا می‌کنم.» بعد داخل خانجچه را نشانمان می‌دهد. سبزی‌های بسته‌بندی شده و تابلوی پارچه‌ای رنگ و رو رفته‌ای که خودش به دیوار زده است. پشت خانجچه یک سگ کوچک را به طناب بسته‌اند. صدای سگ بلند می‌شود. می‌روم پشت خانجچه. زهر دست می‌کشد روی سرش، نوازشش می‌کند و قربان صدقه‌اش می‌رود. آن قدر از ته دل که حالا می‌توانم مهربانی‌اش را از پشت چهره زمختش ببینم، توی دست‌هایش که حالا از چیدن سبزی‌ها زخم‌خوردگی شده‌اند. می‌نشیند به سبزی چیدن. با همان دست‌ها و من حالا او را پرندای می‌بینم بدون مرز در لانه‌ای که برای پرواز زیادی کوچک است. ■

« آدم یک‌جان‌نشین نیستم. همین که می‌توانم راه بروم و چهارستون بدنم سالم است، برایم کافی است »



سه باب منزل در شهرک شهید رجایی که در آن مواد مخدر معامله می شد، پلمب شد. به گزارش شهرآرامحله، پس از شناسایی اولیه و دریافت گزارش هایی مبنی بر خرید و فروش مواد در سه باب منزل مسکونی، مأموران عملیات سپاه حضرت مسلم و ویژه حاشیه شهر با دستور مقام قضایی سه باب منزل را در شهرک شهید رجایی که فروش

مواد مخدر در آن انجام می شد و به پاتوق معتادان تبدیل شده بود، پس از کشف آلات جرم و وسایل سرقتی و مواد مخدر پلمب کردند. در این رابطه ۵ متهم مرد و ۲ متهم زن دستگیر و به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

در محله گردی شهردار منطقه از محلات مختلف مطرح شد

بازگشایی باغ سازگار

در محله

۵۹
راد

مدتی است که طرح محله گردی شهرداران مناطق مختلف در مشهد در حال اجراست. این طرح با هدف تعامل هرچه بیشتر با شهروندان، شناسایی مشکلات هر محله و استفاده و نظرسنجی از مردم در راستای خدمت رسانی بیشتر انجام می شود. به گزارش شهرآرامحله، شنبه بیست و پنجم آبان، در همین راستا حجت... حیدری، شهردار منطقه ۶ و یوسف زاده، مدیرعامل سازمان زمین و مسکن شهرداری مشهد، از محله چمن، چهنو، شهرک شیرین، محمدآباد و جاده میامی بازدید کردند. در این بازدید درباره بازگشایی برخی معابر، اراضی تحت تملک آستان قدس رضوی

و... گفت و گو و بحث شد.



از فضاها و ظرفیت های موجود در آن در راستای منافع مردم محله استفاده شود.

رفع مشکل ترافیک بولوار حر

ادامه این محله گردی صبحگاهی در محله شهرک شیرین گذشت و از اراضی رهاشده که با بلوکه های بتنی محصور شده اند بازدید شد و درباره این اراضی که تحت تملک آستان قدس رضوی هستند گفت و گو شد.

پیرو همین موضوع از زمین ۲۷ هزار هکتاری آستان قدس هم بازدید شد. این زمین یکی از موانع برای انجام پروژه های ترافیکی است. حیدری در این باره توضیح داد: سال پیش محوری را به موازات بولوار حر باز کردیم که توانست تا حدود زیادی ترافیک ورودی بولوار را بشکند. اما این زمین در ادامه این محور قرار دارد. می توانیم این محور را به مه ریز وصل کنیم تا مشکل ترافیکی منطقه تمام و کمال برطرف شود.

اما این زمین مانعی بر سر راه است. سال پیش در همین راستا گفت و گو ها و مکاتباتی با آستان قدس رضوی داشتیم اما نتیجه ای نداشت.

کاربری های غیر قابل تجزیه

مقصد آخر جاده میامی بود که آنجا در باره فضا های باز و برنامه ها و پروژه های آینده بحث شد. شهردار منطقه در این باره گفت: این زمین های خالی همه ملک شخصی و طرف معامله ما مردم هستند، نه ارگان ها. به ما پیشنهاد شده است این زمین ها کاربری آموزشی فرامنطقه ای داشته باشند، مثل دانشگاه و مدرسه. ما این پیشنهاد را بررسی خواهیم کرد اما اولویت ما کاربری هایی هستند که قابل تجزیه و تملک نباشند.

آی خبر

۱۰

آموزشگاه خیرساز برادران «چیتی زاده» در محله شهید بسکابادی افتتاح شد

جای خالی مدرسه محیط زیست در شرق مشهد

شهرکی - آموزشگاه ۹ کلاس خیرساز برادران چیتی زاده آموزش و پرورش در محله شهید بسکابادی با حضور مسئولان استانی و خیران افتتاح شد.

به گزارش شهرآرامحله، مدیر آموزش و پرورش ناحیه ۵ در این مراسم با اشاره به پیشینه تاریخی ایران گفت: ما جز و کشورهای معدود دنیا هستیم که ۱۰ هزار سال تاریخ مدون داریم و در این برگ های تاریخ ما افراد بسیاری وجود دارند که شکل دهنده تاریخ عظیم ایران و هویت ملی ما هستند و باید پاس داشته شوند. اما با این پیشینه تاریخی و تمدنی عظیم نسبت به کشورهای پیشرفته به لحاظ آموزش و پرورش عقب هستیم و برای اینکه به رشد و ترقی در آموزش و پرورش برسیم چاره ای نداریم جز اینکه آموزش و پرورش، جزو اولویت های اول کشور قرار گیرد. بهراد با اشاره به پیشرو بودن آموزش و پرورش ناحیه ۵ به لحاظ سازندگی و توسعه در شرق مشهد، تصریح کرد: بیشتر آموزش و پرورش ها چون معلم هستند کمتر بیان کاری می دهند اما آموزش و پرورش ناحیه ۵ به لحاظ سازندگی و توسعه در خط مقدم قرار دارد و در همین شهرک شهید باهنر مجموعه آموزشی و ورزشی المهدی را که در کشور بی همتاست، به زودی افتتاح خواهیم کرد. مجتمع آموزشی و سالن ورزشی طاهباز در مهر گذشته افتتاح شد و به بهره برداری رسید. سالن ورزشی مهندس مروح تربتی دو هفته قبل افتتاح شد، مجموعه آموزشی رضوان به زودی افتتاح می شود و مدرسه عاشورا با نام جدید امام حسین (ع) در اول مهر امسال به بهره برداری رسید. وی افزود: مجموعه ای که خانواده چیتی زاده برای ساخت آن همت گمارده اند ۱۲۰۳ متر مربع زیر بنا دارد و در دو طبقه ساختمان با بیش از ۲ میلیارد تومان هزینه احداث شده است. مدیر آموزش و پرورش ناحیه ۵ در ادامه پیشنهاد داد: اگر در ناحیه ۵ بتوانیم زمینی را تهیه کنیم و مدرسه ای با عنوان مدرسه فضای سبز و محیط زیست هم بسازیم، بسیار خوب است. بهداد گفت: چنین به نظر می رسد که با ساخت یک آموزشگاه دیگر در مقطع متوسطه دوم در شهرک شهید باهنر، دیگر نیازی به ساخت مدرسه جدید در شهرک شهید باهنر نداشته باشیم و تراکم دانش آموزی با ساخت این مدرسه در این شهرک کنترل خواهد شد.

وی درباره معضلات مدارس شرق مشهد نیز گفت: فقر اقتصادی برخی دانش آموزان باعث شده تا لوازم مورد نیاز تعدادی از مدارس این بخش از شهر را خود آموزش و پرورش تأمین کند.

بهداد در ادامه خاطر نشان کرد: این یک واقعیت است که آسیب های اجتماعی در همه جا وجود دارد اما در شرق مشهد بیشتر. البته هر میزان مدارس شادتر مدیریت شوند آسیب های اجتماعی کمتر می شود، پس باید مدارس را به سوی شادی بیشتر سوق بدهیم. از هنر و ورزش استفاده کنیم. برای همین اردوگاهی ۳۷ هکتاری در طبقه احداث کردیم. اما چند مشکل داریم؛ یکی از این مشکلات جاده خراب آن است و دومی کمبود سرویس بهداشتی است. از خیران انتظار داریم اگر در توان خودشان نیست، این موضوع را به نیک اندیشان دیگر منعکس کنند. ثریا خسروکیانی که واسطه ساخت این مدرسه بوده است نیز در ادامه گفت: واسطه آشنایی من با خانواده چیتی زاده یکی از دوستانم بود. آن ها می خواستند مدرسه ای به نیت دوبرادر احداث کنند اما مسئله اصلی زمین بود که در اختیار نداشتیم. پس با هماهنگی آموزش و پرورش در همین نقطه، یعنی انتهای شهید بسکابادی زمین تهیه شد و از دو سال پیش تاکنون عملیات عمرانی اش انجام شد و اینک شاهد افتتاح این آموزشگاه هستیم.



آخرین خبر



۱۱

اجرای ۵۲۰ هزار متر هرس پرچین

با هدف زیباسازی منظر شهری ۵۲۰ هزار متر طول هرس پرچین در منطقه ۶ انجام شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۶، رئیس اداره فضای سبز منطقه گفت: از ابتدای امسال تاکنون ۵۲۰ هزار متر طول هرس پرچین با هدف فرم دهی، حذف شاخه های خشکیده، آلوده، شکسته، بیمار و آفت زده در این منطقه انجام شده است. حامد فخرافزود: هرس پرچین های معابر و ریفوژهای شهر به طور مستمر و با هدف ایجاد هارمونی و یکنواختی در فضای سبز شهری انجام می شود. رئیس اداره فضای سبز منطقه گفت: در عملیات هرس چینی و فرم دهی، بیش از ۶۳ هزار اصله درخت هرس و ۳۸۸ اصله درخت خشک و خطری حذف شد. اودرباره عملیات چمن زنی در منطقه گفت: ۴۰۶ هزار متر مربع عملیات چمن زنی به منظور زیباسازی معابر به طور مستمر انجام گرفته است. فخر از شهروندان خواست اگر با درخت خطری در معابر عمومی رو به رو شدند به شهرداری اطلاع دهند تا برای هرس و در صورت تشخیص کارشناسان قطع آن اقدام شود.



۱۲

رفع ۱۲۸۳ مورد سد معبر در منطقه

معاون اجرایی شهرداری منطقه از رفع ۱۲۸۳ مورد سد معبر از ابتدای امسال در این منطقه خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۶، هادی لکزی با بیان این مطلب افزود: سد معبرها باعث نازیبایی منظر شهری، ایجاد مزاحمت و تضییع حقوق شهروندان می شوند و اجرای قانون سد معبر ضمن تأمین و حفظ حقوق شهروندان سبب زیبایی معابر شهر و نیز آرامش و آسایش آنان می شود. وی ادامه داد: بنابراین ۱۲۸۳ مورد از موارد سد معبر که موجب ایجاد مزاحمت و مشکلات متعدد برای شهروندان شده بود رفع و جمع آوری شد. هادی لکزی در ادامه گفت: این اقدامات که در راستای احقاق حقوق شهروندی انجام شده است، با اعتباری بالغ بر ۴ میلیارد و ۸۸۴ میلیون ریال انجام شده است. معاون اجرایی شهرداری منطقه ۶ خاطر نشان کرد: سد معبر صنوف مختلف طوری که مسیر پیاده رو مسدود شود، دست فروشی کنار پیاده رو و خیابان، برپایی چادر در پارک ها و معابر، نصب بدون مجوز پرده و پلاکارد در معابر، توقف نامناسب خودرو و طوری که معبر بسته شود... از مصادیق بارز سد معبر است.



۱۳

۲۰ میلیون برای ورزش صبحگاهی بانوان

۴۲۰ میلیون ریال برای ورزش صبحگاهی بانوان منطقه ۶ صرف شد.

به گزارش شهرآرامحله، کارشناس ورزش بانوان منطقه ۶ گفت: در ۷ ماه نخست امسال ۲۴۳۴ جلسه ورزش صبحگاهی برای بانوان در مدارس و مساجد و سالن های ورزشی منطقه برگزار شد. نوری در ادامه افزود: این مکان های ورزشی توسط تربیت بدنی شهرداری منطقه تجهیز شده و برای ورزش صبحگاهی رایگان در اختیار ورزشکاران قرار می گیرد. وی خاطر نشان کرد: این سالن ها حداکثر ۸۰ بانوی ورزش دوست و حداقل ۲۵ نفر را در صبحگاه پذیرا می شدند. کارشناس ورزش بانوان منطقه با اشاره به اینکه مربی دوره دیده ورزش صبحگاهی بنا به مؤلفه هایی همچون شرایط جسمانی و سن بانوان آموزش های آمادگی جسمانی ارائه می داد، افزود: هدف سلامت و نشاط بانوان منطقه است و هزینه ۴۲۰ میلیون ریالی برای آن صرف شده است. وی خاطر نشان کرد: این اجتماعات ورزش محور باعث شده روحیه مشارکت اجتماعی بانوان افزایش پیدا کند و آن ها برنامه های فراغتی همچون زیارت دسته جمعی حرم مطهر و اردوهای مختلف و کوهنوردی و... هم داشته باشند.

حرف مردم

این ستون به حرف مردم و پیام های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۱ و پیامک ۰۳۰۰۷۲۸۹ با ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

هرس درختان «آلاله»

محمد زاهد: درختان خیابان پورسینا، بوستان آلاله ها (۱۰ دی)، رو به روی پلاک ۲۸ به هرس نیاز دارند. جوابیه ۱۳۷: برای اطلاع- تا آخر آبان ماه در حد لزوم هرس خواهد شد.

بوی شدید تعفن

برادران: به علت بوی شدید تعفن درخواست شست و شوی باکس پسماند را در بولوار حرا، مهریز ۱، بعد از مسجد داریم. جوابیه ۱۳۷: با توجه به نقص فنی خودرو مخزن شوی و اعزام نکردن خودرو در دو هفته اخیر از سازمان مپ، متأسفانه شاهد ایجاد چنین مشکلی هستیم. از این رو این مورد در دستورکار قرار گرفت و هماهنگی لازم برای شست و شوی مخزن مورد نظر با خودرو تانکر فشار قوی انجام شد.

شست و شوی جدول

دربانی: جوی در بولوار ۱۷ شهرپور شمالی، حداقل ۱۴ تا ۱۴۲ مملو از لجن است و بوی تعفن شدیدی ایجاد کرده است. لطفاً جدول شست و شوی شود. جوابیه ۱۳۷: شست و شوی محل در موعد مقرر و طبق برنامه هفتگی از ساعت ۵ تا ۶ صبح انجام می شود. چنانچه شهروند در این موقع در محل حضور داشته باشد رؤیت می کند. ضمن اینکه تصاویر اقدامات روزانه خدمات شهری با تاریخ موجود است. چنانچه نیاز داشتند اعلام کنند خدمت شهروند محترم ارسال می شود.



مردمک

میلان شهری
انعطاف ناپذیر

میلان شهری می توانست با کودکان این گوشه کم برخوردار شهر اندکی مهربان تر باشد. هم برای بزرگسالانی باشد که به ندرت از آن استفاده می کنند و هم بچه هایی که سر خوردن روی لیزک «سرسره» آرزوی شان است

موقعیت: انتهای شهرک شهید باهنر



۱۴

شهرکی